

رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی

مراد برادران*، نسرين حسين پور**

مقدمه: این مقاله با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی انجام شد.

روش: تحقیق پیمایشی حاضر با نمونه‌ای متشکل از ۱۶۰ نفر (کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی) در سال ۱۳۸۸، انجام شد. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب بود و برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه استفاده شد. ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره روش‌های آماری به کار رفته بود.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد رفاه ذهنی، هیچ تفاوتی با متغیرهای زمینه‌ای مطرح شده در تحقیق (سن و جنس و ...) نشان نمی‌دهد. بین شبکه اجتماعی و مشارکت مدنی و اعتماد نهادی با رفاه ذهنی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ اما بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌های اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بحث: نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان رفاه ذهنی افراد تحت تأثیر سرمایه اجتماعی آنان است؛ یعنی افزایش میزان سرمایه اجتماعی افراد به افزایش رفاه ذهنی آنان منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، رفاه ذهنی، سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۲۷

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور. <mbbakhbin@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران.

مقدمه

رفاه از مباحث مهم اخیر در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. این مقوله نشان دهنده توجه به شأن و انسانیت و هم‌بستگی اجتماعی افراد در جامعه است که برای دستیابی فرد و گروه به حد مقبولی از زندگی و تندرستی و ... به کار می‌رود.

این مفهوم، در دو بُعد عینی و ذهنی تعریف می‌شود. در گذشته بیشتر بر بُعد عینی این مفهوم تأکید می‌شده است؛ ولی از آنجاکه ابعاد عینی مثل داشتن شغل و درآمد و ...، به تنهایی تأمین‌کننده رفاه افراد نیست (هیدی^۱ و دیگران، ۲۰۰۷)، توجه به رفاه ذهنی از قبیل امنیت، رضایت شغلی، احساس آرامش و ... به علت تأثیر مستقیم آن بر کیفیت زندگی^۲ انسان اهمیت ویژه‌ای یافته است (الکساندروا^۳، ۲۰۰۵). از این رو، مطالعات آینده نیز بر درک بهتر عواملی متکی خواهد بود که بر رفاه ذهنی انسان تأثیرگذار است. بر همین اساس، تأمین رفاه ذهنی و ارتقای آن در جامعه، از وظایف مهمی است که سازمان بهداشت جهانی آن را بر عهده همه دولت‌ها گذاشته است و به دلیل اهمیت این موضوع، سال ۲۰۰۱ را سال بهداشت روان نامید تا بیش از پیش بر اهمیت آن تأکید کرده و توجه همگان را به آن جلب کند.

مطالعات و رویکردهای جدید در کنار عوامل فردی، بر کیفیت‌های اجتماعی (نابرابری، عدالت، هم‌بستگی اجتماعی و ...) بر ارتقای رفاه اجتماعی تأکید می‌کند. محور اصلی این کیفیت‌ها را سرمایه اجتماعی^۴ تشکیل می‌دهد. به عبارت بهتر، سرمایه اجتماعی بیشتر، سلامت فردی و عمومی، امید به زندگی، احساس سلامتی، رفاه و رضایتمندی بیشتر ایجاد می‌کند؛ در حالی که سرمایه اجتماعی اندک، با افزایش بیماری‌های قلبی، اختلالات روانی، احساس ناآرامی، نارضایتی از محیط کار و ... همراه بوده است؛ مثلاً کای کاسلا^۵ (۱۹۹۹) عامل اعتماد^۶ را از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای دانسته و بر آن تأکید می‌کند. او معتقد است در صورت وجود اعتماد بین افراد، ارتباط اعضای جامعه اعم از خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و ... مطلوب‌تر و مؤثرتر می‌شود و برخلاف آن،

1. Headey 2. quality of life 3. Alexandrova 4. social capital 5. Kasla 6. trust

بی‌اعتمادی با پیروی نکردن از قوانین، خشونت، رفتار ضداجتماعی و مشکلات دیگر همراه خواهد بود. پاتنام^۱ نیز تأکید می‌کند در هیچ یک از قلمروهای سرمایه اجتماعی که در جوامع مختلف جست‌وجو کرده، اهمیتی بیش از نقش سرمایه اجتماعی در تندرستی و بهزیستی نیافته است (نقل از محمدی، ۱۳۸۴).

سازمان‌ها بهترین چشم‌انداز ممکن برای مشاهده سرمایه اجتماعی در جوامع پیشرفته است، جایی که در آن سرمایه اجتماعی ظرفیت بسیاری برای کسب اهداف ایجاد می‌کند و اهداف عالی‌تر را با تلاش کمتری تسهیل می‌کند؛ به طوری که در افرادی که فرصت کافی برای کار در شرکت یا گروه‌هایی با اعتماد و روابط اجتماعی و تعهد بهتر دارند، رفاه و رضایت از فعالیت‌های شغلی افزایش می‌یابد (رکوئنا^۲، ۲۰۰۳).

وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، به لحاظ ماهیت ناهمگن کارکنان (نوع استخدام و رشته تحصیلی و ...) با تنش و نارضایتی پنهان در سطوح مختلف مواجه بود و با وجود شیوع این مشکل، هیچ مطالعه جدی جایی انجام نشد. این موضوع از چند بُعد اهمیت دارد:

۱. سیاست اجتماعی هرگز به رفاه عینی محدود نیست؛ بنابراین توجه به رفاه ذهنی در کنار رفاه عینی از جنبه‌های مختلف از جمله برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و ... اجتناب‌ناپذیر است؛
۲. افزایش رفاه عینی افراد همیشه نشان دهنده رفاه ذهنی آنان نیست؛ زیرا بُعد عینی رفاه (مانند افزایش درآمد و داشتن شغل و ...) مطلوبیت لازم را برای افراد و استفاده کنندگان آن به همراه نداشته است؛
۳. توجه به رفاه ذهنی افراد باعث کاهش فشار و استرس افراد در محیط کار می‌شود و این مقوله نیز، به نوبه خود تعارض و کشمکش‌های درون‌سازمانی را به حداقل می‌رساند و باعث تقویت روابط اعضا و افزایش احساس هم‌بستگی، حمایت، مشارکت و نشاط در کارکنان می‌شود؛
۴. تحقیقات مختلف ارتباط مثبت سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی افراد را نشان می‌دهد. پاتنام معتقد است هم‌بستگی خیلی روشن و مثبتی بین متغیرهای سلامت و سرمایه اجتماعی و همچنین، رابطه قوی و

1. Putnam

2. Requena

منفی بین شاخص سرمایه اجتماعی و میزان مرگ و میر وجود دارد (محمدی، ۱۳۸۴). بنابراین، در پژوهش حاضر قصد داریم به این موضوع بپردازیم که سرمایه اجتماعی چه تأثیری با رفاه ذهنی کارکنان دارد؟ و آیا سرمایه اجتماعی به افزایش رفاه ذهنی کارکنان منجر می‌شود یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا افزایش اعتماد اجتماعی و گسترش شبکه اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های مختلف، به افزایش رفاه ذهنی کارکنان می‌انجامد یا خیر؟

پیشینه پژوهش

الف. سرمایه اجتماعی

به طور کلی، مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی است و کنش جمعی را تسهیل می‌کند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شود، دربرگیرنده اعتماد و هنجارهای مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گرد آمدن افراد به صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۲).

نخستین تحلیل منظم از سرمایه اجتماعی را بوردیو انجام داد. این تحلیل، قوی‌ترین تحلیلی است که مفهوم سرمایه اجتماعی را در گفتمان جامعه‌شناسی معاصر وارد کرده است (پورتس، ۱۹۹۸). بعضی از جامعه‌شناسان ادعا دارند نظریه بوردیو، منسجم‌ترین نظریه جامعه‌شناسانه در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی است (فیلد، ۱۳۸۵). به اعتقاد وی، این سرمایه است که به فردی اجازه می‌دهد بر سرنوشت خود و دیگران نظارت کند (ریتزر، ۱۳۷۴).

جایگاهی که بوردیو برای سرمایه اجتماعی قائل می‌شود، بر گستره پیوندها یا شبکه‌های اجتماعی متمرکز است (فاین، ۱۳۸۵). استفاده وی از واژه سرمایه اجتماعی، تلاشی روشن است برای فهم چگونگی ایجاد طبقات و تقسیمات طبقه‌ای (دیلیپس، ۲۰۰۱). افکار این محقق راجع به سرمایه اجتماعی، تعبیری است برای تأکید بر تضاد

طبقاتی و روابط اجتماعی که برای افزایش توانایی کنش‌گر در راستای پیشبرد منافعش به کار برده می‌شود (سابتینی، ۲۰۰۵). بوردیو اعتقاد دارد سرمایه اقتصادی، ریشه اصلی تمام سرمایه‌هاست. وی همچنین، علاقه‌مند بود از نحوه ترکیب آن با انواع دیگر سرمایه برای ایجاد و تولید مجدد نابرابری اطلاع یابد. از نظر بوردیو، نابرابری باید با تولید و بازتولید سرمایه توضیح داده شود. او معتقد است نگاه به سرمایه، فقط از دیدگاه اقتصادی کافی نیست؛ البته مبادلات اقتصادی برای کسب سود است و از تلفیق منابع فردی سرمایه فرهنگی و اجتماعی به دست می‌آید (بوردیو، ۱۹۸۶).

نظریه پرداز دیگری که پس از بوردیو درباره سرمایه اجتماعی اظهار نظر کرده، کلمن است. رویکرد وی درباره سرمایه اجتماعی براساس نظریه انتخاب عقلانی و مبتنی بر کارهای پیشین او در نظریه مبادله اجتماعی است (کینگ و والدگراو، ۲۰۰۲). کلمن نظریه ساده مبادله اجتماعی را با به‌کارگیری ابتدایی رشته اقتصاد به نظریه سرمایه اجتماعی تبدیل کرده است (ریتزر، ۲۰۰۰) و در چارچوب همین نظریه، ایده خود را درباره سرمایه اجتماعی پرورش داده است.

مفهوم سرمایه اجتماعی محملی است برای کلمن تا به تشریح چگونگی امکان همکاری بین افراد بپردازد. سرمایه اجتماعی در مطالعات کلمن جایگاه وسیع داشته و دربرگیرنده اساس نظم اجتماعی است که به خوبی در کتاب *بنیادهای نظریه اجتماعی* (کلمن، ۱۹۹۴) مطرح شده است. سرمایه اجتماعی منبع مفیدی است که برای هرکس از طریق روابط اجتماعی او قابل دستیابی خواهد بود. بنابراین می‌توان چنین فرض کرد که کلمن از طریق رهیافت انتخاب عقلانی و مفهوم سرمایه اجتماعی در پی پیوند بین اقتصاد و جامعه‌شناسی بود.

با وجود اظهارنظرهای بوردیو و کلمن در خصوص سرمایه اجتماعی، شاید پاتنام معروف‌ترین نویسنده و مدعی بسط مفهوم سرمایه اجتماعی در جهان امروز باشد. پاتنام برای نخستین بار مفهوم سرمایه اجتماعی را در اواخر کتاب خود که نتیجه مطالعه روی

شمال و جنوب ایتالیا بود، به کار برده است (پاتنام، ۱۹۹۳). براساس این مطالعات، همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای بهتر است که سرمایه اجتماعی را به شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به‌ارث برده است (پاتنام، ۲۰۰۲).

پاتنام در تعریف خود از سرمایه اجتماعی می‌نویسد: «منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد و هنجارها و شبکه‌هاست که با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود می‌بخشد (پاتنام، ۱۹۹۵). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی، هم شامل ابعاد ساختاری (شبکه‌ها) و هم شامل ابعاد فرهنگی (هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و اعتماد) است. وی اعتقاد دارد سرمایه اجتماعی نیز مانند سرمایه‌های دیگر مولد است و امکان دست‌یابی به اهداف مشخصی را فراهم می‌کند که بدون آن در دسترس نخواهد بود؛ مثلاً گروهی که اعضایش اعتبار خود را نشان داده و به یکدیگر اعتماد زیادی دارند، در مقایسه با گروهی که این ویژگی‌ها را ندارند، توان کارهای بیشتری دارند (پاتنام، ۲۰۰۲).

به طور دقیق‌تر، سرمایه اجتماعی کمک‌کننده رفتار جمع است؛ یعنی هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهد، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت و ارتباطات را تسهیل می‌کند، جریان اطلاعات را درباره معتمد بودن افراد بهبود می‌بخشد و همانند چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۲).

وی در خصوص مالکیت سرمایه اجتماعی معتقد است سرمایه اجتماعی، برعکس سرمایه‌های متعارف دیگر، کالایی عمومی است که در مالکیت خصوصی کسانی نیست که از آن بهره می‌برند. سرمایه اجتماعی مانند دیگر کالاهای عمومی (هوای پاک و خیابان‌های امن) است که کارگزاران بخش خصوصی به تولید آن گرایش ندارد. این بدین معنی است که سرمایه اجتماعی، اغلب باید به وسیله دیگر فعالیت‌های اجتماعی تولید شود. این سرمایه معمولاً در پیوندها و هنجارها و اعتماد تشکیل می‌شود که از موقعیتی اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر منتقل می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۰).

ب. رفاه ذهنی

مفهوم رفاه از آن مفاهیم سهل و ممتنع علوم اجتماعی است که در عین حال که به راحتی در دوره‌های مختلف تعریف شده است؛ به ندرت درباره‌ی تعریف آن توافق وجود دارد. شاید این موضوع به دلیل زمینه‌های خاص ماهیت مفهومی رفاه و سیر تحول آن و زمینه‌های تاریخی خاص از جمله توجه به مقوله‌ی رفاه و نحوه‌ی نگرش به انسان از دیدگاه‌های مختلف (مکاتب و ایدئولوژی‌ها و...) بوده است.

بر همین اساس، در خصوص رفاه اجتماعی نیز جدال طولانی بین رویکردهای ذهنی و عینی وجود دارد. در رویکرد عینی، بر سنجش «سنجه‌های سخت» مثل درآمد یا انطباق زندگی در وضعیت یکسان تأکید می‌شود؛ اما رویکرد ذهنی بر «سنجه‌های نرم» مثل رضایت از درآمد و مسکن تأکید دارد. رویکرد عینی در سنت آمارهای اجتماعی ریشه دارد که داده‌های آن به قرن ۱۹ برمی‌گردد. رویکرد ذهنی نیز در تحقیقات پیمایشی ریشه دارد که مربوط به دهه ۱۹۶۰ است. رویکرد ذهنی مشابه با جریان اصلی تحقیق شاخص‌های اقتصادی با موضوعات مختلف و روش یکسان است. رویکرد ذهنی به جریان روان‌شناختی وابسته است که در تحقیق شاخص‌های اقتصادی دیده می‌شود و بر موضوعاتی مثل اعتماد مصرف‌کننده و فقر ذهنی نظارت دارد (ون هوون، ۲۰۰۲).

راسل (۲۰۰۸) معتقد است رفاه ذهنی به دریافت‌های شخص از خود و بینش ذهنی از تجربه‌ی زندگی‌اش اشاره دارد. رفاه ذهنی، ارزیابی‌های احساسی و شناختی از زندگی افراد را دربرمی‌گیرد و حالت پیشرفته‌ی خوشایند روان‌شناختی را ارائه می‌کند (نقل از هزارجریبی و همکاران، ۱۳۹۱).

دینر (۲۰۰۵) معتقد است رفاه ذهنی به انواع ارزیابی‌های افراد از زندگی‌شان اعم از مثبت و منفی اطلاق می‌شود. وی در مطالعات خود شاخص‌های کیفیت زندگی، دامنه‌ی رضایت، رضایت از زندگی، شادکامی، احساس منفی و احساس مثبت را برای رفاه ذهنی در نظر گرفته است (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۹۱).

بنابراین در پژوهش حاضر به سه شاخص اساسی رفاه ذهنی شامل کیفیت زندگی و نشاط و سلامت روان پرداخته شد.

۱. کیفیت زندگی

در حال حاضر، در زمینه چستی مفهوم کیفیت زندگی اتفاق نظر وجود ندارد. این مفهوم در بخش‌های متفاوت علمی با برداشت‌های متفاوت به کار برده می‌شود. به نظر می‌رسد کیفیت زندگی که در آن فرد در رفاه است، از رضایت یا نارضایتی در حیطه‌های اصلی زندگی ناشی می‌شود (اونق، ۱۳۸۴). به‌طور کلی، اساس تئوریک اندکی برای ابعاد کیفیت زندگی وجود دارد که آن هم در سخنرانی‌های بخش بهداشت و سلامت منعکس شده است. با این وجود، بیشتر تلاش‌هایی که برای تعیین ابعاد کیفیت زندگی صورت می‌گیرد، اختیاری است (اونق، ۱۳۸۴).

رویکردهای کیفیت زندگی

- رویکرد توصیفی: این رویکرد رابطه کیفیت زندگی را با متغیرهایی همچون سن، جنس، سواد و... بررسی می‌کند. در این رویکرد، گرایش نظری ضعیف بوده و بیشتر به دنبال توصیف وضعیت موجود با توجه به متغیرهای زمینه‌ای است؛ نه به دنبال یافتن علت و معلول و سازوکارهای موجود بین آن‌ها. دغدغه اصلی این رویکرد، تنها سنجش میزان کیفیت زندگی با توجه به متغیرهای زمینه‌ای مدنظر است (اونق، ۱۳۸۴).

- رویکرد تبیینی: در این رویکرد، توجه اصلی به شناخت عوامل مؤثر بر میزان کیفیت زندگی معطوف است؛ بنابراین، پرسش اصلی در این رویکرد این است که چه عواملی باعث تغییر در کیفیت زندگی می‌شود؟ برخی پژوهشگران این عوامل را به دو دسته کلی پویا و ایستا و برخی دیگر مانند جامعه‌شناسان آن را به دو دسته عوامل ذهنی و عوامل عینی تقسیم می‌کنند. طبق مطالعات، از بین عوامل عینی تأثیرگذار بر این رویکرد، روابط زناشویی و روابط اجتماعی و بهداشت مناسب، رابطه معنی‌دارتری با کیفیت زندگی داشت (منستید و هیوستون، ۱۹۹۶؛ به نقل از: زمانی، ۱۳۸۷).

مشکل اصلی تبیین‌هایی که تاکنون ارائه شده است، در این است که نظریه‌ها به جای این‌که به دنبال تبیین چرایی اختلاف کیفیت زندگی در گروه‌های اجتماعی مختلف باشند، بیشتر به دنبال توضیح میزان کیفیت زندگی هستند.

۲. نشاط

نشاط از مظاهر شادی است و عبارت است از مسرور بودن. نشاط حالتی هیجانی است که بر اثر افزایش موقتی حالت شور و شمع و شادمانی به وجود می‌آید و در رفتارهای بیولوژیکی و تجربه هیجانی مشاهده می‌شود (زمانی، ۱۳۸۷).

رویکردهای مربوط به نشاط

امینی (۱۳۸۰؛ به نقل از: زمانی، ۱۳۸۷) رویکردهای مربوط به نشاط را به شرح زیر بررسی کرده است:

۱. رویکرد آسیب‌شناختی: براساس این رویکرد، پراکنجی فرد و جامعه در فعالیت‌های اجتماعی را نشاط می‌گویند. به این ترتیب، جامعه را هنگامی می‌توان دارای نشاط اجتماعی دانست که افراد از زندگی لذت برده و زندگی معنی‌دار و هدفمند و بدون بیم داشته باشند.

۲. تبیین‌های زیستی و فردی:

الف. تبیین‌های فیزیولوژیک: این نظریات بیان می‌کند نشاط، به واسطه انتقال دهنده‌های عصبی ایجاد می‌شود. این انتقال دهنده‌ها را می‌توان با دارو و از طریق فعالیت مرتبط با هدف فعال ساخت. البته می‌توان این هیجانات را بدون دارو نیز ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که به اندازه دارو مؤثر باشد (آرگیل، ۱۳۸۳).

ب. نظریه ژنتیکی بودن خوشحالی: به این نکته اشاره دارد که ظاهراً خوشحالی به جای این‌که به رویدادهای زندگی مربوط باشد، بیشتر در ژن‌ها و شخصیت‌های افراد نهفته است (لیکن و تلگان، ۱۹۹۶؛ به نقل از: زمانی، ۱۳۸۷).

ج. ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر شناخت: ابعاد شناختی شخصیت از جمله اعتماد به نفس و خوش بینی و کنترل درونی هدف زندگی، اغلب چنان با شادی هم‌بستگی دارد که بعضی پژوهشگران آن‌ها را بخشی از شادی دانسته‌اند. عواملی وجود دارد که بر شناخت افراد و در نتیجه، بر شادکامی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ از جمله ویژگی‌های شخصیتی مثل برون‌گرایی، خوشحالی، خوش‌بینی، کنترل درون، سلامت، هدف زندگی، عزت نفس و شوخی (آرگایل، ۱۳۸۳).

۳. تبیین‌های شناختی (عوامل مؤثر بر رضایت): نظریه پردازان دیدگاه‌های شناختی، شادی را احساسی می‌دانند که حاصل پیشرفت منطقی در راستای رسیدن به اهداف است. از این دیدگاه، شادی به درون‌دادهای حسی و ادراکات حاصل از آن محدود نمی‌شود؛ بلکه هرچه فرد گام‌هایی در راه رسیدن به هدفش بردارد، بر میزان شادی او افزوده می‌شود (زمانی، ۱۳۸۷).

۳. سلامت روان

مفهوم سلامت روان، جنبه‌ای از مفهوم کلی سلامتی است. مفهوم بهداشت روان اولین بار در سال ۱۹۰۵ و هم‌زمان با شروع نهضت بهداشت روان پدیدار شد. سازمان بهداشت جهانی، سلامت روان را در مفهوم کلی بهداشت و توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی و روانی و جسمی تعریف می‌کند و سلامت روان را قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران و تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و همچنین حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی و عادلانه و مناسب عنوان می‌کند. براساس نظر مینجر^۱، سلامت روان عبارت است از سازگاری انسان با محیط بیرونی با حداکثر اثربخشی و شادکامی (خدارحیمی، ۱۳۷۴).

به عقیده آدلر، فرد سالم از مفاهیم و اهداف خودش آگاهی دارد و عملکرد او بر نیرنگ و بهانه مبتنی نیست. او جذاب و شاداب است و روابط سازنده و مثبتی با دیگران دارد. وی معتقد است فرد دارای سلامت روان، روابط خانوادگی صمیمی و مطلوبی دارد و جایگاه

1. Minjer

خودش را در خانواده و گروه‌های اجتماعی به‌درستی می‌شناسد. همچنین، فرد سالم در زندگی هدفمند و غایت‌مدار است و اعمال او بر تعقیب این اهداف مبتنی است. غایی‌ترین هدف شخصیت سالم، تحقق خویش‌نم است (گنجی، ۱۳۷۶).

فروم تصویر روشنی از شخصیت سالم به دست می‌دهد: عمیقاً عشق می‌ورزد و آفریننده است، قوه عقلش را کاملاً پرورانده است، جهان و خود را به‌طور عینی ادراک می‌کند، حسن هویت پایداری دارد، با جهان در پیوند است و در آن ریشه دارد، حاکم و عامل خود و سرنوشت خویش است. چهار جنبه شخصیت سالم، در روشن ساختن مراد فروم مؤثر است. این چهار جنبه عبارت است از: عشق بارور، تفکر بارور، خوشبختی و وجدان اخلاقی (فروم، ۱۳۶۲).

هارفام و همکاران معتقدند مدل اجتماعی سلامت روان (مقابل مدل زیست‌شناختی) بصیرت‌های بیشتری را درباره عوامل تأثیرگذار بر سلامتی ارائه می‌دهد. به باور این افراد، عوامل خطرآفرین برای سلامتی عبارت است از: مشکلات بلند مدت در طول زندگی یک فرد، حوادث منفی زندگی، فقدان حمایت اجتماعی برای تعدیل یا کاهش تأثیرات منفی مشکلات بلند مدت و حوادث منفی (هارفام، ۲۰۰۱؛ به نقل از: علی‌پور، ۱۳۸۶).

چارچوب نظری

با توجه به مباحث مفهومی و نظری در زمینه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی، که مفاهیمی چند بعدی است؛ در طرح چارچوب نظری این تحقیق سعی می‌شود با به‌کارگیری روش‌ها و سنجه‌هایی تلفیق ابعاد متناسب این دو مفهوم ارزیابی شود.

اجتماع‌های مختلف به دلیل ساختار فرهنگی متفاوت، شکل‌های سرمایه اجتماعی متفاوتی دارند. با توجه به این تفاوت‌ها و پرسش‌هایی که در طرح مسئله به آن‌ها اشاره شد، شناسایی اشکال و ابعاد بیشتر سرمایه اجتماعی در زمینه‌های مطالعه شده از اولویت اساسی برخوردار است. بر این اساس، در تحقیق حاضر برای سنجش سرمایه اجتماعی،

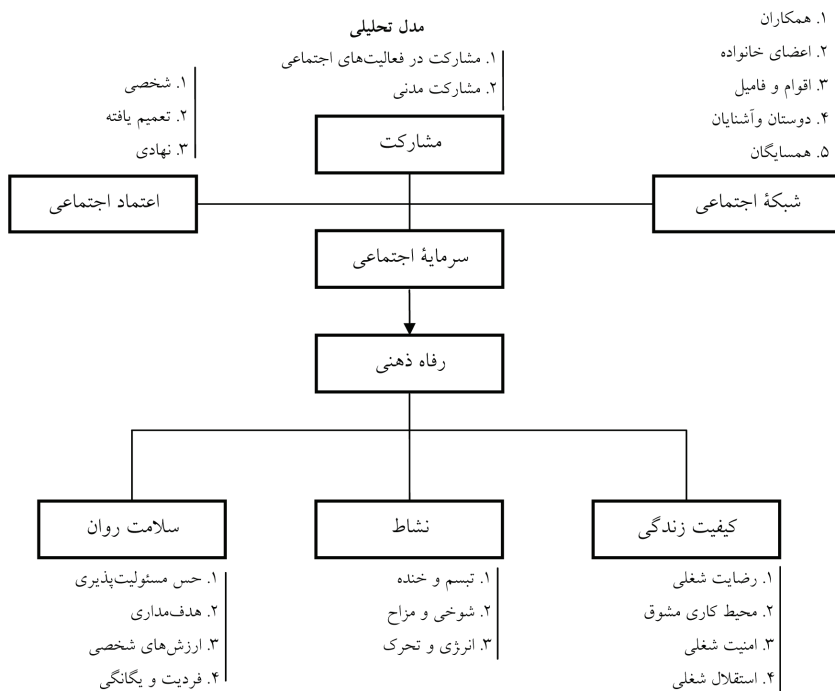
طبق تعریف پاتنام از شاخص‌های شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی و مشارکت استفاده شد. برای سنجش متغیر رفاه ذهنی نیز به دلیل چند بعدی بودن آن، از سنججهای کیفیت زندگی و نشاط و سلامت روان استفاده شد.

هر یک از شاخص‌های در نظر گرفته شده برای سرمایه اجتماعی، مستقیم و غیرمستقیم بر رفاه ذهنی افراد تأثیر می‌گذارد. اعتماد، جزء اصلی سرمایه اجتماعی است. این مفهوم تمام جنبه‌های زندگی بشری را شکل می‌دهد. اعتماد در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. نظریه سرمایه اجتماعی، اعتماد را منبع جامعه مدنی و زمینه‌ساز تعهد مدنی و دموکراسی می‌داند. از طرفی، اعتماد ویژگی فردی است که بر احساسات و عواطف و ارزش‌های فردی متکی است و با اندیشه همکاری و صداقت و صمیمیت ارتباط نزدیکی دارد و از سوی دیگر، اعتماد ویژگی نظام اجتماعی یا روابط اجتماعی است که بر زمینه‌های اجتماعی متکی است و به عنوان ویژگی جمعی، کاربردهای فراوانی دارد.

مشارکت اجتماعی یکی دیگر از اجزای سرمایه اجتماعی است. در نظریه پاتنام، کاهش مشارکت در تعاملات و رویدادهای اجتماعی با کاهش سرمایه اجتماعی همراه است و کاهش مشارکت نیز باعث کاهش رفاه ذهنی افراد می‌شود.

شبکه اجتماعی، از طرفی به لحاظ پیوندها و روابطی که در عرصه چندگانه، افراد را به هم متصل می‌کند، با نظریه انسجام اجتماعی و از طرف دیگر، به لحاظ منابعی که در پی این پیوندها منتقل می‌شود، با نظریه حمایت اجتماعی هماهنگ است و به واسطه آن باعث افزایش رفاه ذهنی افراد می‌شود.

روابط و پیوندهای اجتماعی نیز مستقیم و غیرمستقیم بر رفاه ذهنی افراد تأثیر می‌گذارد. براساس الگوهای هارفام، سرمایه اجتماعی، حمایت عاطفی و ابزاری و اطلاعاتی را برای فرد فراهم می‌کند و از این طریق، بر رفاه ذهنی وی تأثیر می‌گذارد. پس می‌توان گفت سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی رابطه دارد.



مدل تحلیلی بالا رابطه متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) را با متغیر وابسته (رفاه ذهنی) نشان می‌دهد. در این مدل، براساس نظریه پاتنام، سه شاخص شبکه اجتماعی و مشارکت و اعتماد اجتماعی برای سرمایه اجتماعی و شاخص‌های کیفیت زندگی و نشاط و سلامت روان برای رفاه ذهنی در نظر گرفته شده است. همچنین مؤلفه‌های شاخص‌های متغیرهای مستقل و وابسته، جداگانه کنار هر شاخص ارائه شده است. با توجه به چارچوب نظری و مدل تحلیلی ذکر شده، وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای زیر مطرح است:

بین سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی، بین اعتماد اجتماعی و رفاه ذهنی، بین شبکه اجتماعی و رفاه ذهنی، بین مشارکت اجتماعی و رفاه ذهنی و بین متغیرهای زمینه‌ای (سن و جنس و...) و رفاه ذهنی.

روش

این مطالعه از نوع پیمایشی است و داده‌های موردنیاز با استفاده از پرسش‌نامه و در مقطع زمانی مشخص، (۱۳۸۸) گردآوری شد. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمام کارکنان رسمی و پیمانی و قراردادی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۸ بود و ۱۶۰ نفر از این کارکنان با استفاده از روش طبقه‌ای متناسب و براساس فرمول کوکران انتخاب شدند. نمونه‌گیری از معاونت‌ها و دفاتر وزارتخانه‌ها، به تناسب حجم نمونه و نسبت رسمی و پیمانی و قراردادی و همچنین، نسبت زن (۶۳ نفر) و مرد (۹۷ نفر) انجام شد. رسمی (۳۱ نفر) و پیمانی (۳۷ نفر) و قراردادی (۹۲ نفر) بودند که به تناسب جمعیت معاونت‌ها و دفاتر انتخاب شدند.

در این پژوهش، سرمایه اجتماعی، متغیر مستقل در نظر گرفته شد و برای سنجش آن، طبق نظریه پاتنام از سه شاخص شبکه اجتماعی و اعتماد و مشارکت استفاده شد. پس از جمع‌بندی نمرات نیز برای تعیین نمره کل سرمایه اجتماعی، سه شاخص یاد شده به کار رفت. رفاه ذهنی نیز متغیر وابسته در نظر گرفته شد و سه شاخص نشاط و سلامت روان و کیفیت زندگی برای سنجش آن به کار رفت. پس از جمع‌بندی نمرات نیز با استفاده از سه شاخص بالا، نمره کل رفاه ذهنی به دست آمد.

برای اطمینان از اعتبار پرسش‌نامه، پرسش‌نامه در اختیار دو تن از اساتید (دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران) قرار گرفت و با توجه به نکات مطرح شده از سوی آن‌ها، برخی گویه‌های نامناسب حذف و برخی گویه‌های مناسب به پرسش‌ها افزوده شد. بدین ترتیب، اطمینان از اعتبار صوری پرسش‌نامه به دست آمد. برای اندازه‌گیری میزان روایی گویه‌های انتخاب شده برای سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی و اطمینان از این‌که گویه‌های انتخابی، موضوع واحدی را می‌سنجند و پاسخ‌گویان از آن برداشت یکسانی دارند، در مرحله پیش‌آزمون، از طریق مصاحبه با سی نفر از کارکنان که واریانس جامعه آماری در آن‌ها لحاظ شده بود، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. این ضریب برای گویه‌های

سرمایه اجتماعی بیش از ۰/۷ و برای گویه‌های رفاه ذهنی حدود ۰/۶ محاسبه شد که حاکی از روایی مقیاس‌های متغیر مستقل و وابسته است. متغیرهای سن، جنس، طبقه اجتماعی، نوع استخدام، محل سکونت، قومیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد خانوار، هزینه ماهیانه خانوار و درآمد ماهیانه خانوار نیز به عنوان متغیرهای مستقل بررسی شد. روشهای آماری بکاررفته شامل ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره بود.

یافته‌ها

۶۰ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۴۰ درصد زن بودند. ۶۵ درصد متأهل و ۳۵ درصد مجرد بودند. ۷۰ درصد پاسخ‌گویان دارای مدرک لیسانس و بالاتر و بقیه آن‌ها مدرک دیپلم و فوق دیپلم داشتند. حدود ۵۷ درصد از پاسخ‌گویان قراردادی و ۲۳ درصد پیمانی و ۱۹ درصد نیز رسمی بودند. ۹۰ درصد خود را از طبقه متوسط می‌دانستند. ۷ درصد از پاسخ‌گویان خود را از شبکه اجتماعی ضعیف و ۶۷/۵ درصد از شبکه اجتماعی متوسط و ۲۵ درصد از شبکه اجتماعی خوب گزارش کردند. ۲۵ درصد افراد از کیفیت زندگی اندک و بیش از ۵۱/۹ درصد از کیفیت زندگی متوسط و ۲۳/۱ درصد نیز از کیفیت زندگی خوب برخوردار بودند. ۶/۹ درصد افراد نشاط کم و ۳۱/۹ درصد نشاط متوسط و بیش از ۶۱/۳ درصد نشاط زیاد داشتند. ۱۴/۴ درصد افراد سلامت روان کم و ۳۴/۴ درصد سلامت روان متوسط و بیش از ۵۱/۳ درصد سلامت روان بالا داشتند.

جدول ۱. همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل زمینه‌ای فاصله‌ای با رفاه ذهنی.

مقدار <i>p</i>	ضریب تعیین	R	نام متغیر
۰/۴۴۷	۰/۰۰۴	۰/۰۶۲	سن
۰/۸۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	تعداد اعضای خانواده
۰/۲۵۰	۰/۰۰۹	۰/۰۹۴	میزان درآمد ماهیانه
۰/۲۴۷	۰/۰۰۹	۰/۰۹۴	میزان هزینه ماهیانه خانوار

رفاه ذهنی رابطه معنی داری با سن، تعداد اعضای خانوار، میزان درآمد ماهیانه پاسخگو و میزان هزینه خانوار پاسخگو ندارد (جدول ۱).

جدول ۲. هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل زمینه‌ای اسمی با رفاه ذهنی.

مقدار p	مقدار V کرامر	نام متغیرها
۰/۶۶	۰/۵۳۳	جنس
۰/۳۱	۰/۵۸۵	وضعیت تأهل
۰/۳۵	۰/۵۷۳	نوع استخدام
۰/۰۶	۰/۶۰۳	محل سکونت
۰/۷۵	۰/۵۴۲	قومیت
۰/۵۰	۰/۵۵۹	تحصیلات
۰/۰۹	۰/۶۱۲	طبقه اجتماعی

در هفت متغیر اسمی جمعیت‌شناختی، همه فرضیات با توجه به مقدار V کرامر و مقدار P معنی دار نبوده و رفاه ذهنی رابطه معنی داری با جنسیت، وضعیت تأهل، نوع استخدام، محل سکونت، تحصیلات، طبقه اجتماعی و قومیت ندارد (جدول ۲).

جدول ۳. رابطه متغیر مستقل اصلی و شاخص‌های آن با رفاه ذهنی.

مقدار p	ضریب تعیین	(ضریب هم‌بستگی پیرسون) R	نام متغیر
۰/۰۰۷	۰/۳۵۲	۰/۵۹۳	سرمایه اجتماعی
۰/۰۷۴	۰/۰۲۱	۰/۰۲۱	شبکه اجتماعی
۰/۰۱	۰/۱۵۱	۰/۳۸۸	اعتماد اجتماعی
۰/۰۴۹	۰/۰۹۹	۰/۳۱۴	اعتماد بین شخصی
۰/۰۷	۰/۰۲۲	۰/۱۴۸	اعتماد نهادی
۰/۰۳	۰/۱۷۴	۰/۴۱۸	اعتماد تعمیم یافته
۰/۰۶۳	۰/۰۲۳	۰/۱۵۰	مشارکت
۰/۰۳	۰/۰۸۱	۰/۲۸۴	مشارکت اجتماعی
۰/۰۶	۰/۰۲۳	۰/۱۵۳	مشارکت مدنی

مطابق جدول ۳ فرضیه کلی تحقیق (رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی) تأیید شد و از بین فرضیات فرعی نیز رابطه اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی با رفاه ذهنی تأیید ($p < 0/05$) و بقیه فرضیات فرعی (شبکه اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و مشارکت مدنی) رد شد ($p > 0/05$). بنابراین می‌توان گفت هرچه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های تأییدشده آن برای شخصی بیشتر باشد، با رفاه بیشتر همراه خواهد بود.

معادله کلی رگرسیون چند متغیره نیز به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

$$y = B_0 X_{0i} + \beta_1 X_{1i} + \beta_2 X_{2i} + \dots + \beta_k X_{ki} + E_i$$

به منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چند متغیره و دست‌یابی به مدل رگرسیونی رفاه ذهنی تمامی متغیرهای مستقل (سه بُعد سرمایه اجتماعی) به روش گام به گام انتخاب شده و در دستور رگرسیونی برای دست‌یابی به معادله نهایی استفاده شد.

جدول ۴ مدل رگرسیونی چند متغیره را برای تبیین رفاه ذهنی نشان می‌دهد و جدول ۵، شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی را مشخص می‌کند.

جدول ۴. مدل رگرسیون چند متغیره برای تبیین رفاه ذهنی.

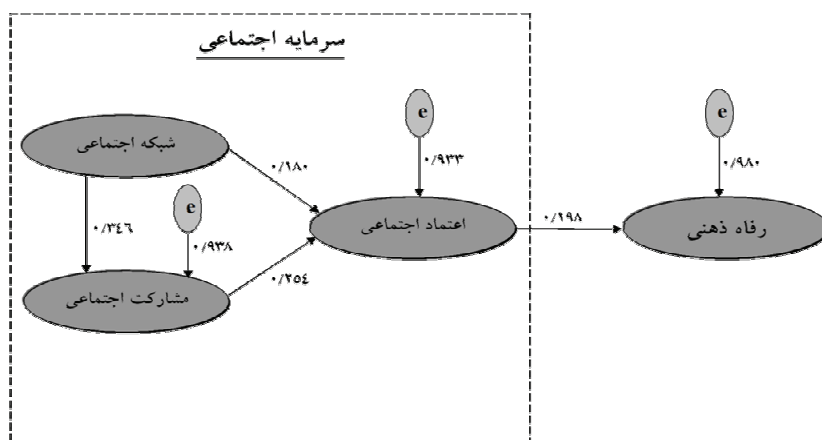
مقدار p	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		متغیرهای وارد شده به معادله
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۱۴	۲/۴۸	۰/۳۸۸	۰/۴۰۵	۱/۲۲۴	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۶/۴۴۶	—	۱۴/۳۸۱	۷۲/۳۱۸	مقدار ثابت
p		مقدار t		متغیرهای خارج شده	
۰/۲۳۲		۱/۲۰۰		شبکه اجتماعی	
۰/۲۳۷		۱/۱۸۸		مشارکت اجتماعی	

تنها متغیر اعتماد اجتماعی با بتای ۰/۳۸۸ بیشتر از همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته رفاه ذهنی تأثیر می‌گذارد، تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیان می‌کند با افزایش اعتماد اجتماعی، رفاه ذهنی نیز افزایش پیدا می‌کند (جدول ۴).

جدول ۵. شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی برای تبیین رفاه ذهنی.

۰/۳۸۸	ضریب هم‌بستگی چندگانه
۰/۱۵۱	ضریب تعیین
۰/۱۴۷	ضریب تعیین تعدیل شده
۲۷/۵۷۳	خطای استاندارد

همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، ضریب هم‌بستگی چندگانه^۱ $M.R=0/388$ و ضریب تعیین^۲ مساوی $R^2=0/151$ است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر $0/147$ است و بیان می‌کند که حدود ۱۵ درصد از پراکنش و تغییرات رفاه ذهنی را متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌کند. با توجه به این که در تحلیل رگرسیونی بالا از روش گام به گام استفاده شده، ابتدا متغیری که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارد، وارد مدل رگرسیونی می‌شود و سپس، متغیرهای دیگری که دارای بیشترین تأثیر روی متغیر وابسته باشد، وارد مدل می‌شود.



نمودار ۲. مدل مسیر مربوط به عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی

1. multiple correlation R

2. r square

نتایج تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای بالا را می توان به صورت معادله ریاضی چنین نوشت:

$$\text{رفاه ذهنی} = (1/224) \text{ اعتماد اجتماعی} + (72/318)$$

جدول ۱. اثر متغیرهای مستقل بر متغیر رفاه ذهنی.

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	متغیر
۰/۳۸	ندارد	۰/۳۸۸	اعتماد اجتماعی
۰/۱۹۶	۰/۱۹۶	ندارد	شبکه اجتماعی
۰/۱۴۷	۰/۱۴۷	ندارد	مشارکت اجتماعی

متغیر اعتماد اجتماعی از ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با داشتن اثر کل به اندازه (۰/۳۸۸) در تبیین پراکنش متغیر رفاه ذهنی از بیشترین قدرت برخوردار است. شبکه اجتماعی و سپس مشارکت اجتماعی در مراتب بعدی قرار دارد (جدول ۶).

بحث

بر اساس مدل رگرسیونی، از بین سه شاخصی که برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده، اعتماد اجتماعی بیشترین اهمیت را در تبیین رفاه ذهنی داشت؛ یعنی اعتماد اجتماعی بسیار، زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می شود و معمولاً این گونه افراد تغییرپذیری و ریسک پذیری بسیاری دارند که باعث می شود رفاه بیشتری کسب کنند. یافته های این تحقیق، معنی دار بودن رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی را نشان می دهد. بر اساس مقایسه یافته های تحقیق با نظریه پاتنام (چارچوب نظری تحقیق)، از بین مؤلفه های مدنظر پاتنام برای سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را در رفاه ذهنی افراد دارد (۱۵ درصد) و دو مؤلفه دیگر، یعنی مشارکت اجتماعی و شبکه اجتماعی تأثیر چندانی در رفاه ذهنی افراد ندارند. در کل، یافته های تحقیق معنی دار بودن رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی را نشان می دهد؛ یعنی سرمایه اجتماعی، با افزایش رفاه ذهنی افراد همراه است.

در این تحقیق، با توجه به این که اساس نمونه‌گیری برمبنای نوع استخدام (قراردادی و پیمانی و رسمی) بوده است؛ به رابطه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با نوع استخدام توجه شد. یافته‌های تحقیق گویای آن است که بیشترین سرمایه اجتماعی بین کارکنان رسمی بوده است و پس از آن، کارکنان پیمانی و قراردادی در اولویت بعدی قرار دارند. این یافته با نظریه پاتنام منطبق است؛ چراکه براساس این نظریه، افرادی که از لحاظ موقعیت شغلی در وضعیت بهتری قرار دارند، در مقایسه با بقیه افراد از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردارند که این شاخص نیز در کل، باعث ارتقای سرمایه اجتماعی آن‌ها می‌شود.

نکته درخور توجه این است که تحقیق حاضر، برخلاف نظریه پاتنام، رابطه بسیار ضعیفی بین شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، براساس یافته‌های این تحقیق رابطه بسیار ضعیفی بین شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی با رفاه ذهنی وجود دارد؛ درحالی که براساس نظریه پاتنام افراد دارای رابطه اجتماعی و مشارکت اجتماعی بسیار، از رفاه بیشتری نیز برخوردار هستند. به نظر می‌رسد چندین عامل در این مقوله تأثیرگذار بوده است که عبارت است از:

- تأثیرگذاری وضعیت جامعه بر نتایج تحقیق در سال ۱۳۸۸، از جمله مرتبط نبودن اعتماد نهادی و شبکه اجتماعی و مشارکت؛
- توجه نکردن به عوامل سازمانی به عنوان متغیری واسط و مداخله کننده در این پژوهش؛
- عدم بررسی مقایسه‌ای بین این سازمان و سازمان‌های ذیربط دیگر.

در این تحقیق براساس نظریه پاتنام رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی تأیید شد؛ اما بین بعضی از مؤلفه‌های آن با رفاه ذهنی رابطه ضعیفی وجود دارد. از طرف دیگر، با توجه به عوامل تأثیرگذار بر نتیجه تحقیق و براساس تجربه محققان پیشنهاد می‌شود: ۱. در تحقیقات آتی هم به عوامل سازمانی توجه شود؛ ۲. برای بررسی جوانب مختلف رفاه ذهنی، بین چند سازمان بررسی مقایسه‌ای انجام شود.

References

منابع و مأخذ

- اوتوق، ن. (۱۳۸۴)، *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- پاتنام، پ. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی* (ترجمه محمدتقی دلفروز)، تهران.
- خداحیمی، س. (تابستان و پاییز ۱۳۷۴)، *روان‌درمانی و مذهب*، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، س ۴ (۱۲ و ۱۳).
- گنجی، ح. (۱۳۷۶)، *بهداشت روانی*، تهران، ارسباران.
- فروم، ا. (۱۳۶۲)، *جامعه سالم* (ترجمه اکبر تبریزی)، تهران، انتشارات چهره.
- آرگایل (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی شادی* (ترجمه مسعود گوهری انارکی و همکاران)، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات علمی.
- زاهدی مازندرانی، م. (۱۳۸۲)، *توسعه و نابرابری*، تهران، انتشارات مازیار.
- زمانی، م. (۱۳۸۷)، *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط جوانان ۱۵-۲۹ شهر همدان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- فاین، ب. (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی* (ترجمه سیدمحمدکمال سروریان)، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوکویاما، ف. (۱۳۸۵)، *پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن* (ترجمه غلامعباس توسلی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- فیلد، ج. (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی* (ترجمه جلال متقی)، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- محمدی، م. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و سنجش آن*، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- علی‌پور، پ. (۱۳۸۶)، *تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی در مناطق ۱۷ و ۱۷۰*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
- هزارجریبی و صفری‌شالی (۱۳۹۱)، *آناتومی رفاه اجتماعی*، تهران، جامعه و فرهنگ.

- Alexandrova, A. (2005), subjective well-being and kahnemans objective happiness, *Journal of happiness studies*: 301-324.
- Bourdieu, P. (1986), The Forms of Capital, in: J. Richard(ed); *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York, Green wood.
- Coleman, J. (1988), The Creation and Distribution of Social Capital: Implications for the Law, *Notre Dame Journal of Law, Ethics and Policy*, vcl 3.
- Defilippis, J. (2001), the myth of social capital in community developmen, *housing policy debate*, volume 12, Issue 4.
- Fukuyama, F. (1999), What is Social Capital? *The Institue of Public Policy George Mason University*, Prepared for delivery at the IMF Conference on Second Generation Refrms, October 1, 1999.
- Headey, B. Et al. (2007), money does not buy happiness: or does it? A reassessment based on the combined effects of wealth, income and consumption, *social indicators research*: 10.1007/s11205-007-9146-y.
- King, P and Walde, g, Ch. (2002), Scial Capital, social Networks and accesst Employment, *Investigating constraints on labore market Participation in new Zealand*.
- Portes, A. (1998), Social capital: its origins and applications in modern sociology, *Annual Review of Sociology*, 24: 1-24.
- Putnam, R. (Spring1993), The Prosperous community: Social Capital and Public Life, *The American Prospect*: 35-42.
- Putnam, R. (1995), Bowling Alone: Americas Declining Social Capital, *Journal of Democracy*, (6): 65-78.
- Putnam, R. (2000), *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York, Simon & Schuster.
- Requena, F. (2003), social capital satisfaction and quality of life the workplace, *social indicators research*, 61: 331-360.
- Ritzer, G. (2000), *Sociological Theory*, McGraw Hill, New York.
- Sabatini, F. (2005), Social Capital as Social Networks, A New Framework for Measurement, available at: www.socialcapitalgateway.org.
- Veenhovert, R. (2002), why social policy needs subjective indicator, *social indicators research*, 58: 33-45.